



فرصت های تبلیغی حج

پدیدآورده (ها) : رهبر، محمد تقی

فقه و اصول :: میقات حج :: زمستان 1382 - شماره 46

از 26 تا 48

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/926952>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 21/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

فرصت‌های تبلیغی حج

محمدتقی رهبر

اسرار و معارف حج

امت اسلام بر سایر امت‌ها را منعکس کردن امر و نهی الهی دانسته و با ذکر واژه «لِلنَّاسِ» رسالت مسلمانان را جهت هدایت عموم انسان‌ها حتمی شمرده که بنا به دلالت مفهومی آیه، هرگاه امت اسلام از خصلت هدایتگری و پیام‌رسانی و امر و نهی الهی بی‌بهره باشد، شایستگی عنوان بهترین امت را نخواهد داشت. افزون بر آن، پیام‌فراگیر در آیه بالا، گروه‌های ویژه‌ای را که واجد شرایط پیام‌رسانی باشند موظف ساخته، به خیر و نیکی فراخواند و امر به معروف و نهی از منکر کنند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱.

پیام‌رسانی و تبلیغ در حج

حیات فکری، دینی، فرهنگی و اجتماعی بشر، همواره با تبلیغات پیوند داشته است و امروز نیز بیش از هر زمان دیگر، سرنوشت ملت‌ها و جریان‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌ها، عمدتاً به تبلیغات وابسته است.

دعوت و تبلیغ، افزون بر آنکه به مصداق آیه کریمه: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ جوهره کلیه ادیان الهی و مسؤولیت همه پیامبران خدا بوده است، اما در اسلام، جایگاه ویژه دارد؛ آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲ برتری



اعتقادی و عملی اوست، همواره با شیوه‌های مختلف تبلیغاتی، مورد استفاده مثبت و منفی قرار می‌گیرد و در این راستا بسیاری از دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای با سوء استفاده از این فرصت و با زمینه‌سازی روانی و با اهداف سیاسی، بر آنند تا سمت و سوی اندیشه انسان‌ها را در راستای اهداف و مقاصد مورد نظر خود سوق دهند. در چنین وضعیتی است که مسؤولیت رسالت‌داران تبلیغ دینی، بیش از هر زمان آشکار می‌گردد.

فرصت‌های تبلیغی حج

کلمه عظیم بین المللی حج فرصتی است بی نظیر که دیگر ملت‌ها را بدان دسترسی نیست این اجتماع بزرگ جهانی به رسالت‌داران تبلیغ مجال می‌دهد بدون تحمل مشقت و هزینه سنگین مالی، رسالت اسلامی را ابلاغ نموده و با آگاهی دادن به سایر مسلمانان، مصالح و مسائل امت را دنبال کنند.



هرچند بهره‌وری از ابزارهای روز و رسانه‌های پیشرفته می‌تواند در تبلیغ

اسلام با خصلت جاودانگی رسالتش، همگانی بودن دعوت و تبلیغ را طلب می‌کند؛ زیرا معارف و تعالیم زنده و والای این آیین جاودانی، اگر نشر و ابلاغ نگردد و به درستی تفسیر و بیان نشود، نه تنها مکتب و دین مهجور می‌گردد و انسان مسلمان به عنوان یک مکلف باید پاسخگوی آن در پیشگاه خداوند باشد، بلکه بر بشریت نیز ستم می‌شود؛ چرا که انسان‌های مستعد رشد و شکوفایی، گرفتار جهالت و دستخوش هواهای نفسانی و اسیر زنجیرهای استکبار می‌گردند و رهسپار راه شقاوت می‌شوند و این چیزی است که خداوند بدان رضایت نداده است؛ «وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ»^۴.

با همین فلسفه است که برای هدایت انسان‌ها، رهبرانی را فرستاده است تا حجت را تمام کنند و جای عذر برای کسی باقی نماند؛ «وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أُرْسِلَتْ إِلَيْنَا رَسُولٌ فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَّ وَنُخْزَى»^۵.

خصلت انعطاف پذیری انسان در برابر عوامل تحریک کننده یا باز دارنده، که زمینه دگرگونی گرایش‌های فکری،

رسالت اسلام نقش مهمی ایفا کند و ناگزیر باید از آنها بهره گرفت، اما شرایط و فرصت‌های ویژه دیگری نیز برای مسلمانان فراهم است که مناسب‌ترین عرصه برای تبلیغات هدایتگر و ابلاغ امر و نهی است، بدون آنکه به وسایل مدرن پیچیده و هزینه‌های کلان نیاز باشد.

را هدایتگر جهانیان خوانده است؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۶.

حج مناسب‌ترین مجمع بین‌المللی است که زمینه هر نوع فعالیت را به نفع اسلام فراهم می‌آورد و می‌توان عنوان «وسایل ارتباط جمعی جهانشمول» را

امام خمینی علیه السلام: حج کانون معارف الهی است. گشودن گنجه‌های این معارف و ابلاغ آن در موسم حج، از وظایف عالمان و آگاهان دین می‌باشد.

استفاده از این شرایط و فرصت‌ها وظیفه هر مسلمان است که بدان دسترسی دارد. حضور میلیونی مسلمانان از اقشار و طبقات مختلف اسلامی در نماز جمعه و جماعت و اماکن متمیز و زیارتگاه‌ها و حسینیه‌ها و مواسم و مراسم دیگر و در صدر همه این اجتماعات، کنگره عظیم بین‌المللی حج، فرصتی است بی‌نظیر که دیگر ملت‌ها را بدان دسترسی نیست. این اجتماع بزرگ جهانی به رسالت‌داران تبلیغ مجال می‌دهد، بدون تحمل مشقت و هزینه سنگین مالی، رسالت اسلامی را ابلاغ نموده و با آگاهی دادن به سایر مسلمانان، مصالح و مسائل امت را دنبال کنند. به همین دلیل قرآن کریم کعبه و حج

برای آن برگزید. حج و مناسک باشکوه آن، نه تنها برای مؤمنان شورانگیز است، بلکه برای دیگران نیز نمایش قدرتی است که مانند آن را در هیچ یک از وسایل تبلیغی و رسانه‌ای اسلام نمی‌توان دید. به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام: «حج پرچم بلند اسلام است»^۷ بر بلندای قلّه عظمت معنویت و عامل ثبات و پابرجایی مسلمانان در هر عصر.

بار فرهنگی و تبلیغی حج

فرهنگ معارف اسلامی، در تار و پود حج نهفته است، به بیان حضرت امام خمینی علیه السلام:
«حج کسانون معارف الهی است.»



گشودن گنجینه این معارف و ابلاغ آن در موسم حج، از وظایف عالمان و آگاهان دین می‌باشد. روایات اهل بیت به این رسالت مهم تبلیغی توجه خاص می‌دول داشته است.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام طبق روایتی، با بیان اسرار و معارف حج، کسب علم و فقه و نشر آثار و نقل اخبار رهبران دینی را یاد آور شده، می‌فرماید:

«مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنَقَلَ
أَخْبَارَ الْأَيْمَةِ عليه السلام إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَ
نَاحِيَةٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَوْ لَا
نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا
فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا
إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۸.

از دیگر آثار حج این است که حج‌گزاران فقه و علم دین را بیاموزند و آثار ائمه را منتشر کنند و اخبار آن را بسرایی دیگران بازگو نمایند. همانگونه که خداوند بزرگ فرموده است: «چرا از هر فرقه و گروهی، جمعی سفر نمی‌کنند تا فقه و دانش دین را فرا گیرند و هنگام بازگشت، مردمشان را ارشاد کنند و بیم دهند شاید آنها منتنبه شده و پروا گیرند.»

چنین به نظر می‌رسد که تفقه در این آیه، به فقه اصطلاحی و تبخّر در احکام فرعی محدود نباشد، بلکه علم و معرفت به اصول و فروع و مبانی و احکام و معارف و اخلاق و در نتیجه شناخت و مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی؛ یعنی تمام آنچه را یک مسلمان باید بداند و بشناسد، شامل می‌گردد و در این میان، مسأله امامت و ولایت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه روایات بسیاری بر این مطلب صراحت دارد و مسأله برائت که در تار و پود حج تعبیه شده است.^۹

دیار وحی و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله

از دیگر ابعاد فرهنگی حج، مرور و مطالعه میدانی در تاریخ اسلام و مشاهده آثار نبوت در سرزمین وحی و حرمین شریفین است. تذکار خاطرات نورانی پیامبر گرامی اسلام از لحظه تولد و روزگار پر رنج یتیمی و زیستن در جوار عبدالمطلب و تجلی نشانه‌های نبوت در سیمای مبارکش در رهگذر زندگی و سفره‌های شام تا ازدواج با بزرگ بانوی اسلام حضرت خدیجه و آنگاه که در غار حرا به ندای روح بخش: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ

الَّذِي خَلَقَ»^{۱۱} مخاطب گردید و سپس آهنگ ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^{۱۲} وی را به قیام الله و انذار در خلق فرا خواند و پیامبر با مسؤولیت‌های سنگین نبوت، رنج و محرومیت و طعن و ملامت و آزار دشمنان را به جان خرید و از خار و خاکستر استقبال کرد و در شعب ابوطالب تبعید شد و شکنجه یارانش را شاهد بود و بالأخره تحت فشار سیزده ساله گردن‌کشان و بت‌پرستان قریش مکه را ترک کرد و راهی یثرب گردید و در این هجرت رایت اسلام را برافراشت و از شهری به شهری و دیاری به دیاری، به دوش کشید تا نظام توحیدی را در مدینه الرسول پی افکند و حکومت دینی را مستقر ساخت و صولت سرکشان عرب را با جهاد و دفاع و غزوات پیاپی در هم شکست و مکه را فتح کرد و لوٹ بت‌ها را از دامن بیت‌الله زدود و با تعلیم و تربیت و حکمت و موعظه، بنیان بزرگترین آیین آسمانی را مستحکم ساخت تا آخرین روزهای زندگی، که امت را به حفظ امانت الهی و کتاب و عترت توصیه کرد و چشم از جهان فرو بست، در حالی که غم امت و نگرانی آینده و بیم توطئه‌ها، حضرتش را می‌آزرد و نیز انبوه حوادثی

که از آن پس در زندگی اهل بیت و عملکرد امت در سایه روشن تاریخ پرماجرای اسلام رخ داد. یادآوری این فرآزهای تاریخی برای رسالت‌داران اسلام درس آموز است.

جغرافیای فرهنگی اسلام

هم‌چنین اماکن مقدس مکه و مدینه و مسجدالحرام، بیت عتیق، مقام و مستجار، حجر و حَجَر، زمزم و صفا و مروه، ملتزم و حطیم و مزار انبیا در جوار بیت‌الله تا عرفات و مشعر و خَیْف و منا و دیگر مشاعر و مواقف و مساجد و زادگاه پیامبر ﷺ در جوار مسجدالحرام، خانه خدیجه و زادگاه علی ؑ درون بیت‌الله، جنة المَعْلَى و قبرستان ابوطالب، جبل النور



و غار ثور و مزار شهدای فخر در حرم مکی، هریک ریشه در فرهنگ توحید و موحدان دارد و یادآور مجاهدات طلایه داران اسلام و تاریخ آیین حنیف است... و در مدینه طیبه، مسجدالنبی نخستین نقطه نزول پیامبر ﷺ در یثرب، روضه شریف نبوی، منبر و محراب آن حضرت و مهبط جبرئیل و محراب تهجد و خانه علی و فاطمه، که به روایتی آرامگاه دختر پیغمبر است، و استوانه‌های تاریخی مسجد و جایگاه اصحاب صُفّه و قبر مظلوم عبدالله پدر پیامبر در حریم مسجدالنبی، که از آن آثاری برجای نگذاشتند و قبر شریف آمنه (در ابواء) و قبور امامان مظلوم و قبر مخفی زهرا علیها السلام و قبر فاطمه بنت اسد و قبر ام‌البینین و همسران و فرزندان و عمو و عمه‌های پیامبر و شهدای صدر اسلام در جنة البقیع و مساجد و مقامات؛ چون قبا و جمعه و اجابه، میقات و شجره، غمامه و رایبه، مساجد سبع و قبلتین، أحد (مشهد حمزه)، مشربه ام ابراهیم، فدک و غدیر خم و مساجد ابوذر و بلال و سلمان و علی و زهرا و محله بنی‌هاشم و خسانه‌های ویران شده امامان و یاران رسول‌الله که حتی نامی از آن نمانده است

و ده‌ها مسجد و موقف مقدس در کوچه‌ها و نخلستان‌ها و مزارع مدینه، سر در گریبان خاموشی برده، نابود شد یا در حال نابود شدن است، همه این‌ها پیام‌ها و رازها و خاطره‌ها در سینه دارد.

جای جای این سرزمین مبارک یادآور قدم‌های استوار مبارک پیامبر و ائمه و صالحین و مردان و زنان سابقین امت است که شایسته است هریک از اینها برای زائران حرمین تسبیب و تشریح گردد تا تفسیری باشد بر تاریخ صدر اسلام و خاطرات تلخ و شیرین حوادث آن.

زائر باید این آثار و اماکن را با شرح و توضیح بشناسد تا تاریخ و جغرافیای اسلام و اطلس حرمین بماند و به دست فراموشی سپرده نشود که این، به معنای زنده نگه داشتن فرهنگ و سنت و سیره بسنیانگذار اسلام و دودمان پاک او و رهروان راستین نبوت و امامت است و نیز سرمایه معنوی برای نسل‌های آینده و حفظ هویت امت و غنای روحی اهل قبله و درس آموز ثبات و استقامت در راه مکتب و اعتقاد است؛ چرا که سیره بزرگان و طلایه‌داران وحی و هدایت مانند مردم عادی نیست که با پایان یافتن





عمرشان نقطه پایان بر آن نهند بلکه جاودانگی حیات معنوی و چگونگی زیستن با آرمان‌های بلند را می‌آموزد، اینها تاریخ‌سازانی هستند که چرخه زندگی فرزندان آدم بر محور وجودشان می‌چرخد و اهداف و آرمان حیات را فراتر از آنچه دیگران می‌اندیشند ترسیم می‌کند، به عبارت خلاصه: اینان به بشریت در هر عصر تعلق دارند و باید جاودانه باشند.

به همین دلیل است که روایات اهل بیت از این نکته بسیار مهم در فرهنگ حج سخن گفته است. هشام بن حکم فلسفه و جوب حج را از حضرت امام صادق علیه السلام می‌پرسد. امام به تشریح این مطلب پرداخته، ضمن بیان اسرار حج، از زاویه‌های گوناگون به این نکته نیز اشاره می‌فرماید:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا... وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تُعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى»^{۱۲}

«این کانون جمع فراهم آمد تا مسلمانان از شرق و غرب بیایند و با یکدیگر معارفه کنند و آثار و اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله بازشناسی شود و یاد

آن بر زبان‌ها بماند و به دست فراموشی سپرده نشود.»

امام صادق علیه السلام در این روایت چند نکته را در بُعد اجتماعی - فرهنگی حج خاطر نشان می‌سازد.

امام صادق علیه السلام : «این کانون جمع فراهم آمد تا مسلمانان از شرق و غرب بیایند و با یکدیگر معارفه کنند و آثار و اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله بازشناسی شود و یاد آن بر زبان‌ها بماند و به دست فراموشی سپرده نشود.»

یک - معارفه مسلمانان و تحکیم روابط ایمانی آنها که در جامعه و فرهنگ و سیاست نقش اساسی دارد. بدین جهت جمع زائران باید جماعتی مرتبط و منسجم و هم‌آرمان باشند، نه جمع پراکنده و جدا از یکدیگر.

دو - شناسایی آثار و اخبار مربوط به پیامبر که باید در یادها بماند و فراموش نشود و نیز شناختن و شناساندن این آثار و اخبار، امت را با هویت تاریخی خویش پیوند داده، گذشته پرافتخار را که زیربنای علم و تمدن و فرهنگ جهانی اسلام

ویژگی‌های تبلیغ در حج

به لحاظ وضعیت ویژه حج و فضای معنوی و موقعیت زمانی و مکانی و ارتباطات مردمی و شرایط مساعد روانی آن، تبلیغ و پیام‌رسانی در موسم حج، همواره مورد توجه بوده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ دعوت آسمانی خود را از این سرزمین مبارک به گوش قبایل عرب رساند و در بازارهای معروف آن روز، (وادی مجنه، عکاظ، ذی‌المجاز و...) که مرکز تردد و تجمع گروه‌ها، به‌ویژه عرضه‌کنندگان و خریداران کالا و هم‌میدان مسابقه در شعر و خطابه عرب بود، رسالت الهی خود را اعلام کرد و هنگامی که اسلام استقرار یافت و حجاز تحت سیطره مسلمین قرار گرفت، پیامبر خدا به وسیله زائران حاضر، برای غایبان پیام می‌فرستاد و این گواهی است بر موقعیت خاص تبلیغی حج و تأکید بر اینکه مسلمانان باید از این منبر بلندپایه اسلام و مثنیّه رفیع ایمان بهره‌گیرند و با تأسسی به نبی گرامی ﷺ مسائل ارشادی و حیاتی امت را از این رسانه بین‌المللی به گوش دیگران برسانند.

تاریخ حیات مقدّس رسالت،

است، به یاد می‌آورد؛ چنانکه شناخت آثار و اخبار ائمه علیهم‌السلام نیز تداوم همان آثار و اخبار رسالت است. دعبل خزاعی در قصیده تأیید خود با اشاره به این آثار می‌گوید:

لآل رسول الله بالخيف من منى

و بالبيت و التعريف و الجمرات

ديار عليّ و الحسين و جعفر

و حمزة و السجاد ذي الثنات

و سبطي رسول الله و ابني وصيه

و وارث علم الله و الحسنات

منازل كانت للصلاة و للتعقی

و للصوم و التطهير و الحسنات

«خاندان پیامبر را در خیف از

سرزمین منا و رکن و عرفه و جمرات آثاری است.

آنجا دیار علی و حسین و جعفر است

و نیز حمزه و سجاد، آنکه نشان سجده بر پیشانی داشت.

و هم دو سبط رسول الله و دو فرزند

وصی او (علی علیّه‌السلام) که وارث علم خدا و کانون نیکی‌ها بود.

خانه‌هایی که جایگاه نماز و تقوا و

روزهداری و پرهیزکاری و نیکوکاری

است.»

گواهی می دهد که مسائل مهم اسلامی، چون برائت، اعلام ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر اعلامیه های مهم اسلامی در عصر نبوی و بعد از آن، در مناسبت های موسم بوده است.

بنا به روایت حضرت صادق علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خیف خطبه ای ایراد کرد که در عین اختصار، همواره برای امت پیام آور و درس آموز است. در این خطبه بر وحدت امت و برادری و هم خونی مسلمانان، که اساس تشکیل جامعه اسلامی و امت واحده است و نیز رابطه تنگاتنگ میان امت و امامانشان، که محور سیاست و رهبری دینی است، تأکید گردیده و از حاضران خواسته شده است که این پیام را به گوش آنان که حضور ندارند برسانند. در این خطبه که به روایتی در حَجَّة الوداع ایراد شده، آمده است:

«نَصَّرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَ
بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ لِيُبَلِّغَ
الشَّاهِدُ الغَائِبَ قَرَّبَ حَامِلِ فِقْهِ لَيْسَ
بِفِقِيهِ وَ رَبِّ حَامِلِ فِقْهِ إِلَى مَنْ هُوَ
أَفْقَهُ مِنْهُ، ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ
امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ،

وَالنَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ، وَ الزُّرُومُ
لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ
وَرَائِهِمْ، الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ
دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ
سِوَاهُمْ».^{۱۳}

«خدایوند خرم و شادمان گرداند آن بنده ای را که سخن مرا شنید و در آن اندیشید و به درستی فهمید و به کسانی که آن را نشنیدند رسانید. ای مردم! آنکه حاضر است به کسی که غایب است برساند. چه بسا حامل فقه که فقیه نیست و بسا حامل فقه که به کسی می رساند که فقیه تر از اوست. سه چیز است که قلب یک مسلمان به آنها خیانت روا نمی دارد: اخلاص عمل برای خدا، خیراندیشی نسبت به امامان مسلمین و ملازمت جماعت آنها. همانا دعوت مسلمانان فراگیر است، مؤمنان برادرند، پایین ترین فردشان عهده دار نَمَّة افراد دیگر است و آن ها ید واحده اند در برابر بیگانگان.»

در این خطبه تاریخی که سال آخر عمر مبارک پیامبر در حَجَّة الوداع، در مسجد خیف و تجمیع حاجیان در منا ایراد گردید، سه اصل مهم حیاتی امت اسلام

عنوان شده و مسلمانان مأمور ابلاغ آن گردیده‌اند. این سه عبارتند از:

۱ - خالص کردن عمل برای خدا که اساس آن ایمان صادقانه، حق طلبی و پرهیز از هر نوع شرک و ریا و دوگانگی در عقیده و آرمان و عمل است که اگر این دستمایه معنوی برای مسلمانان فراهم گشت، بسیاری از کج روی‌ها، تنش‌ها و کدورت‌ها که از هوای نفس سرچشمه می‌گیرد، از بین خواهد رفت و سایه اخلاص و تقوا بر افراد سایه گستر خواهد شد.

حاکمان نامشروع است که همواره بزرگترین خطر برای اسلام و مسلمین بوده‌اند.

۳ - ملازم جماعت بودن و از امت صالح جدا نشدن، که این نیز از دید صاحب‌نظران تفسیری جز پیوستن به رهروان راه ولایت اهل بیت ندارد؛ زیرا ولایت آنان کانون جمع و مرکز وحدت امت موحد است و هر چه جز این باشد در زمره شرک و نفاق است و به تفرقه و تشتت و انحراف خواهد گرایید. آنچه را در توضیح دو بند اخیر

پیامبر گرامی ﷺ: «ای عمار اگر دیدی کسی به سویی می‌رود و مردم به سوی دیگر، یا علی همواره با حق و مردم را رهبرانند، زیرا او تورا کمراه بسازد و از مسیر هدایت بیرون نکند»

۲ - ارادت و وصیمیت و خیرخواهی نسبت به پیشوایان دین، که بدون تردید تنها مصداق آن رهبران با صلاحیت و امامان حق‌اند، که پیامبر خدا ﷺ آنان را به امر خدا، به رهبری امت برگزیده است و استمرار امامت امری است که برای هر عصر و نسل بیان شده که جز صالحان و پاک طینتان را نشاید عهده‌دار آن باشد. و این مستلزم روی برتافتن از زمامداران جور و مستبدان خودکامه و

ملاحظه کردیم، تفسیری است که طلایه‌داران تشیع از روایت فوق داشته‌اند، همانگونه که در ذیل روایت فوق به نقل کلینی در اصول کافی از قول روایان شیعه آمده است:

«إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَاللَّهِ
الْإِمَامَ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْنَا تَصِيحُّهُ
وَلُزُومُ جَمَاعَتِهِمْ أَهْلُ بَيْتِهِ»^{۱۴}

«به خدا سوگند، علی بن ابی‌طالب تنها



امامی است که خیرخواهی او بر ما واجب است و ملازم جماعت مسلمین بودن همانا پیوستگی با خاندان آن حضرت است که لزوماً شامل شیعیان خالص و مخلص آن بزرگواران نیز خواهد بود؛ چنانکه در روایات عامه و خاصه بر آن تصریح شده است.»

پیامبرگرامی به عمار بن یاسر فرمود:

«یا عمار إذا رأيت علياً سلك وادياً و سلك الناس وادياً غيره، فاسلك مع علي و دع الناس إنّه لن يدلك في ردى و لن يخرجك من الهدى».^{۱۵}

«ای عمار اگر دیدی علی به سوی می‌رود و مردم به سوی دیگر، با علی همراه باش و مردم را رهاکن؛ زیرا او تو را همراه نسازد و از مسیر هدایت بیرون نکند.»

و نیز پیامبر ﷺ فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مِنْ بَعْدِي».^{۱۶}

«بهترین شما کسی است که پس از من با اهل بیت من شایسته‌تر عمل کند.»

و نیز درباره اهل بیت فرمود: «أَنَا حَسْرَتٌ لِمَنْ حَارِبَهُمْ، وَ سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَهُمْ»^{۱۷}

و نیز از سخن آن حضرت است که

فرمود:

«عَلَيْ إِمَامِ الْبَرَّةِ، وَ قَاتِلِ الْفَجْرَةِ، مَنصُورٌ مِّنْ نَّصْرِهِ، مَخْذُولٌ مِّنْ خَدْلِهِ»؛^{۱۸}

«علی پیشوای صالحان و قاتل فاجران است. هرکس یاری‌اش دهد منصور است و هرکه دست از یاری‌اش بردارد زبون و خوار.»

روایات بی‌شمار از این گونه، که در منابع عامه و خاصه آمده، بیانگر این حقیقت است که امامت حق، از آن اهل بیت است و پیروان آنان رستگارانند و جدایی از این جماعت، فرجامی جز گمراهی ندارد. با توجه به اهمیت این موضوع، پیامبر ﷺ در این خطبه تأکید می‌ورزد که حاجیان باید در ابلاغ این پیام همت گمارند.

تبلیغ ولایت در حج

مناسبت‌ترین فرصت برای تبلیغ بزرگترین مسأله حیاتی اسلام پس از تسوید و رسالت، موضوع ولایت امیرالمومنین ﷺ بود که دستور آن در حجة الوداع و در مسجد خیف با آیه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^{۱۹} داده شده و در نقطه‌ای

معروف به غدیرخیم، مورد تأکید مجدد قرار گرفت و دستور آمد که: «پیامبر آنچه را از سوی پروردگار بر او نازل شده ابلاغ کند و اگر نکند رسالت او را نرسانده است و خداوند از فتنه مردم او را در امان خواهد داشت.»^{۲۰} رسول خدا ﷺ در جمع زائران، که عددشان را از هفتاد هزار تا صد و بیست هزار گفته‌اند، خلافت امیرالمؤمنین را طی خطبه غرایی ابلاغ کرد و از مردم بر این مسأله حیاتی پیمان گرفت و همه بیعت کردند، هرچند بسیاری به نقض این بیعت پرداختند.

امامان و تبلیغ در حج

پس از پیامبر ﷺ مشعلداران هدایت، ائمه علیهم السلام نیز جهت آگاهی دادن مردم، از موسم حج بهره گرفتند و آنچه را که در جای دگر ابلاغش میسر نبود، از کنار خانه خدا به گوش مسلمانان رساندند. در فضای اختناق حاکم عصر اموی، امام حسین علیهم السلام در سرزمین منابیش از هزار تن از وجوه صحابه و تابعین را در خیمه‌ای به حضور می‌طلبید و آنگاه فضایل امیرالمؤمنین علیهم السلام و خاندان پیامبر را به‌طور مشروح بیان می‌کند و از آنان می‌خواهد و به خدا سوگند می‌دهد که

چون به دیار خود بازگشتند آن را به دیگران منتقل کنند تا حقایق دین به مرور زمان فراموش نشود.^{۲۱}



امامان علیهم السلام همچنین در مناسبت‌های مختلف، از موقعیت حج، جهت روشنگری افکار عمومی و جلب توجه مردم به امامت و ولایت بهره جستند؛ از جمله می‌توان حرکت امام حسین علیهم السلام از مکه به سوی عراق و قیام علیه نظام غاصب و تبهکار اموی تا شهادت را نام برد. و نیز وصیت امام باقر علیهم السلام به فرزندش امام صادق علیهم السلام که به منظور افشای جنایات حاکمان زمان، مرثیه سرایان را بگمارد تا طی ده سال در سرزمین منابیش برای آن حضرت سوگواری کنند.^{۲۲} و نیز تأکید امام صادق علیهم السلام در روز عرفه و موقف

عرفات با صدای بلند بر اهمیت مسأله ولایت و امامت که در این خصوص عمرو بن ابی مقدم چنین روایت می‌کند: در آن روز امام صادق علیه السلام خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْإِمَامَ ثُمَّ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام، ثُمَّ هَهُ».

«و این جملات را سه بار و به چهارسوی: از پیش‌رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید.»^{۲۳}

در کتب سیره و حدیث، شواهد بسیار دیگری را می‌توان یافت که امامان معصوم علیهم السلام در موسم حج و در عرفات و منا و در حال طواف مردم را به ولایت اهل بیت توجه می‌دادند. شیعیان آزاده و شعرای اهل بیت نیز از این سیره پیروی کردند. فرزندق، شاعر آزاده و بلند آوازه، قصیده تاریخی خود را در کنار کعبه بالبداهه سرود؛ آنگاه که هشام بن عبدالملک در پاسخ آن مرد شامی که عظمت زین العابدین علیه السلام را دید و از او

خواست وی را معرفی کند و هشام از روی کینه و حسد اظهار بی‌اطلاعی کرد! و فرزندق او را پاسخ داد و این پیام رسانی به هنگام را ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» آورده و گوید: «فرزوق با شعر خود، کاری بزرگ کرد که امید می‌رود پادشاه آن بهشت باشد!»^{۲۴} مطلع قصیده «میمیه» فرزندق این بیت است:

یا سائلی این حل الجود و الکرّم

عندي بیان إذا طلا به قدموا^{۲۵}

علاوه بر تبلیغ ولایت در حج، مسائل دیگر اسلامی، که با اساس دین یا فقه شریعت ارتباط دارد، در فرصت‌های مناسب مورد توجه پیشوایان قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان مناظرات حضرت امام صادق علیه السلام با ارباب ملل و نحل و حتی ملحدین زمان در مسجد الحرام را یاد آورد شد.

ابعاد حرکت‌های تبلیغی در حج

حرکت‌های تبلیغی موسم حج و زیارت را از چند زاویه می‌توان مورد توجه قرارداد:

- ۱- درون گروهی
- ۲- درون مرزی
- ۳- برون مرزی

۱- از زاویه درون گروهی

همانگونه که رایج است، گروهی به صورت کاروان، معمولاً صد تا دویست زائر عازم حج و عمره می‌شوند که از این رهگذر، مبلغان و مروّجان اسلام به صورت روحانی با یک گروه صمیمی همسفر می‌گردند و در طول سفر وظیفه‌ای جز ارشاد زائران در زمینه‌های مختلف فقهی، اخلاقی، اجتماعی، علمی

نقش طبیعت و تأثیر مبلغ در جمع زائران گروه را نباید ناچیز انگشت و شایسته است حد اکثر بهره‌جاری طبیعی از این نعمت روحانی با نفعات رحمانی آن بشود.

و عملی ندارند و از آن رو که خاطره شیرین و رویارویی سفر زیارت همواره در طول عمر، پیش چشم زائر مجسم است آموزه‌های آن نیز به صورت طبیعی بر دل و جان وی می‌نشیند و اگر درست هدایت و رهبری شود، می‌تواند بسیاری از این تأثیرات را نشان دهد و ره‌آورد سفر حج همین است که توشه معنوی برای زائر حاصل آید. بدین ترتیب نقش تبلیغات و تأثیر مبلغ در جمع زائران گروه

را نباید ناچیز انگاشت و شایسته است حداکثر بهره‌برداری تبلیغی از این لحظات روحانی با نفعات رحمانی آن بشود.

افزون بر این، هر یک از مناسک و مشاعر و حرکت‌ها و وقوف‌ها و اذکار و ادعیه با مفاهیم متعالی و بار معنوی و عرفانی‌اش، در ارتقای معرفت و بالا بردن سطح شناخت حج‌گزار نقش بنیادین دارد و با پیوند دادن آن معرفت و شناخت به عشق و احساس، روشن بینی و شعور را در اعماق جان‌ها می‌پرورد و با تصفیه روح و رهاندن آن، از اسارت تعلقات مادی و زدودن غبار معاصی به ثمر می‌نشانند و حجاب‌های جهل و ظلمات هوی را می‌سوزانند و برای پذیرش تجلیات بیشتر مهیا می‌سازد.

خلاصه آنکه در این کانون معارف و سیر و سلوک باطنی و سفر معنوی، که با سیر بیرونی و آفاقی توأم گشته و با آیات و بیّنات در قلّه‌های رفیع توحید و مناره‌های بلند ایمان و یاد خاطره مشعل‌داران هدایت در تاریخ پیوند خورده است، ره‌آورد معرفت و کمال و رشد معنوی انسانی را به همراه دارد. شناخت و شعور و عشق و عرفان در

تار و بود حج تعیبه شده و هنگامی زائر از این خصلت هدایتگری و نور عرفان بهره خواهد گرفت که روح حج ابراهیمی و پیام شریعت والای احمدی علیه السلام را در اعمال و مناسک و اوراد و اذکار جاری سازد و این راه هدایت و روشنگری نیاز است.

از زبده‌ترین انسان‌های مؤمن، که از اقصی نقاط کشورهای اسلامی در این میعادگاه حضور یافته و حاضران در موسم، در حقیقت نمایندگانی هستند از امت بزرگ اسلام که در سرزمین وحی و کانون توحید گردآمده‌اند و شعارشان:

نمایند مجال داد این فرصت‌های طلایی با نفعات رحمانی که ملک تا ملکوت را پوشش می‌دهد، رایگان از دست برود.

نقش روحانیون در این میان بسیار با اهمیت است که به ژرفای این عبادت جهانشمول اسلامی بیشتر بیندیشند و مطالعه کنند و بر معلومات خود بیفزایند و آشنایی دهند. به‌طور خلاصه، حج را باید به عنوان یک دانشگاه الهی و کانون انسان‌سازی مورد توجه قرار داد. نقش آموزش و تبلیغ و هم‌چنین سیاست حاکم بر حج در اینجا تعیین‌کننده و راه‌گشا است و نباید مجال داد این فرصت‌های طلایی با نفعات رحمانی که ملک تا ملکوت را پوشش می‌دهد، رایگان از دست برود.

«توحید، وحدت و عبودیت» است بدان‌گونه که آیه کریمه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^{۲۶} الهام می‌دهد. لذا این امت کوچک در موسم به نمایندگی از امت بزرگ اسلام سخن‌ها و پیام‌ها دارد، مشکلات و مسائلی در داخل و خارجه پیش روی آنهاست. اغلب ابهاماتی نسبت به یکدیگر دارند. حل مشکلات و رفع آن و تفاهم و ایجاد همبستگی اسلامی هنگامی میسر است که با زبان یکدیگر آشنا شوند، به مسائل حیاتی امت بسیندیشند. اختلاف نظریه‌های فرعی و مسلکی و فرقه‌ای و نژادی و اقلیمی و تعصبات ناموجه مذهبی را کنار بگذارند و از جامه فردیت و قومیت به‌در آیند و بی‌رنگ و بدون نام



۲- زاویه درون مرزی

از آن‌رو که کنگره حج ترکیبی است

و نشان، به دریای خروشان خلق پیوندند و به خدای واحد سر تسلیم فرود آورند تا هر فردشان چون ابراهیم امتی شود؛ امتی شاهد برای دیگر انسان‌ها.

بدیهی است که برای رسیدن به این آگاهی و شعور و درک مسؤولیت، به توجیه و آموزش نیاز است و عالمان و نخبگان در این میان نقش حیاتی دارند. آنها هستند که باید مردمشان را به مسائل و مصالح مشترک امت آشنا سازند. در کم کردن فاصله‌ها بکوشند. خطرات دشمنان اسلام را خاطر نشان سازند. در اتخاذ موضع مشترک در برابر دشمنان اسلام و جهان استکباری، از آیین حنیف پاسداری کنند و توطئه تبلیغاتی آنان را خنثی نمایند و این هنگامی میسر است که مسلمانان، به ویژه فرهیختگان و رسالت‌داران امت، به تبادل نظریه و ارائه اطاعت پرداخته و از بدبینی‌ها و عقده‌ها بکاهند و در حد امکان، در رفع آن بکوشند و با نگاه باز و جهانشمول به مسائل بنگرند و به رایزنی در جهت مصالح امت اسلام بپردازند.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این فلسفه مهم اجتماعی حج می‌فرماید: «فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

لِيَتَعَارَفُوا...»^{۲۷} آری، خداوند حج را کانون تجمع مسلمانان شرق و غرب قرار داد تا با یکدیگر معارفه کنند. طرح دوستی بیفکنند. در تحکیم اخوت اسلامی بکوشند و مسائل اجتماعی خود را بازشناسند و تصمیم مناسب بگیرند. امام خمینی رحمته الله علیه که پیام‌های جاودانه‌اش در حج همواره باید راهگشا باشد، می‌فرماید:

«بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه‌های مستدلّی، با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمان توزیع نمایند و در کشورهای خود پس از مراجعه نشر دهند و از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلامی را نصب‌العین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.»

در انجام این مهم، مسأله پیام‌رسانی و تبلیغ، نقش حیاتی دارد. توده مردم، اغلب از مسائل ویژه درون هر جمع و هر کشور بی‌خبرند و این بی‌خبری زمینه بی‌تفاوتی و حتی بدبینی را فراهم ساخته

است تا آنجا که برخی از نویسندگان غافل تحقّق بخش توسطه‌های تفرقه افکن دشمن در درون جامعه اسلامی شده‌اند. لذا بر عالمان و مبلغان اسلام است که توده‌های مردم را آگاهی دهند. توصیه امام راحل در این خصوص چنین است:

«از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی است به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند.»

کتاب و جزوه و خبرنامه و رسانه و مصاحبه و مقاله و همایش‌های بین‌المللی و دبیرخانه دائمی به این منظور، که در موسم حج تا حدودی زمینه آن بدون نیاز به هزینه‌های کلان میسر است، می‌تواند به این هدف حیاتی کمک رساند. زبان در اینجا نقش مهم ایفا می‌کند، اگر مبلغان حداقل یک یا دو زبان (عربی و انگلیسی) بدانند، در امر تبلیغ موفق‌تر خواهند بود. لذا شایسته است پیش از عزیمت و طی مراحل گزینش روحانیون و مبلغان به زبان و مکالمه آموزش داده شوند.

۳- از زاویه برون مرزی

حج، همایشی است جهانی، که مسلمانان می‌توانند مفاهیم عالی اسلام و دیدگاه‌ها و رویکردهای مسائل اجتماعی را در آن به نمایش بگذارند. پیام وحدت امت موحد را به گوش جهانیان و حتی بیگانگان از اسلام برسانند. هدف از این پیام‌رسانی به نمایش گذاشتن قدرت و امکانات انسانی و معنوی و مادی در برابر

حج، همایشی است جهانی، که مسلمانان می‌توانند مفاهیم عالی اسلام و دیدگاه‌ها و رویکردهای مسائل اجتماعی را در آن به نمایش بگذارند.

دشمنان اسلام است که همواره به غارت و استثمار و استعمار مسلمین می‌اندیشند و قرن‌هاست سرمایه‌های مادی و معنوی آنان را به غارت می‌برند و هم اینک مورد تهدید آنان می‌باشند و امروز نماینده این قطب استکباری، امپریالیسم آمریکا و صیهونیسم ضد بشر است که اگر در گذشته با کنایه و در لفافه خصومت خود را با اسلام نشان می‌دادند، امروز با صراحت از این خصومت و تهدید حرف می‌زنند و از جنگ صلیبی سخن

می‌گویند. اینها باید برای مسلمانان هشدار و عامل بیداری باشد.

مسلمانان باید بدانند برای استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل، شیعه و سنی فرقی ندارد. آنان با اسلام و مسلمین و مقدساتشان در معارضه‌اند و عرب و عجم نمی‌شناسند. امپریالیسم آمریکا که با هدف غارت و چپاول ثروت‌های ملی آنان در گذشته به برخی کشورهای اسلامی چهره دوستی نشان می‌داد، امروزه با حمایت از رژیم اشغالگر قدس در فلسطینِ مظلوم، حمام خون به راه انداخته و عراق و افغانستان را به اشغال نظامی در آورده و جان و مال و دین و ناموس مسلمانان را مورد هجوم قرار داده و دیگر کشورها و قوانین بین‌المللی را به رسمیت نمی‌شناسد و به همه چنگ و دندان نشان می‌دهد. شناخت این دشمن مستکبر و متجاوز و شناساندن نقشه‌های اهریمنی و جنگ طلبانه و سلطه‌جویی بی‌قید و شرط بر جهان و استحاله فرهنگی و استعمار سیاسی و اقتصادی و حضور نظامی قلدر مآبانه شیطان بزرگ در کشورهای دیگر از فرایض اولیه اهل قبله و امت محمد ﷺ است و همدلی و اتحاد و تبادل افکار و اطلاعات و گفتگو در جهت تفاهم و یکدست شدن در برابر دشمنان اسلام و انسانیت، از واجبات امروز مسلمانان به شمار می‌آید. اگر پیامبر خدا ﷺ فرمان می‌دهد آیات برائت را در موسم بخوانند و بر مشرکان اتمام حجت کنند و برق سلاح و قدرت اسلام و مسلمانان را به بت‌پرستان و منافقان آن روز نشان دهند و امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمان آن حضرت در منا یا عرفات منشور برائت را می‌خواند؛ «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ...»^{۲۸} در حقیقت اعلام برائت و آغاز یک جنگ روانی تبلیغی علیه کفر و شرک و زمینه‌ساز جنگ‌های میدانی و تهاجمی به منظور مقابله با کفر و نفاق و فساد و به زیر آوردن اقطاب مستکبر سلطه‌گراست که





سدر راه خدا و خلق شده و در راه ترویج آیین حق سنگ اندازی می‌کنند؛ چنانکه ملاحظه می‌کنیم طی آیات سوره براءت به نبرد و جهاد با مشرکان پس از ماه‌های حرام فرمان داده شده است؛ ﴿فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾^{۲۹}.

آیات براءت در روز عرفه یا قربان، که انبوه تجمع حاجیان است، باید خوانده شود تا خبر آن را همه؛ اعم از مسلمانان حج‌گزار و مشرکان حاضر در موسم بشنوند و بانگ اذان براءت به گوش مردم و قبایل اطراف و اکناف برسد و تکلیف مسلمانان با مشرکان و منافقان روشن شود تا دل دشمن خالی گردد و فکر توطئه را از سر به در کنند و به گواهی تاریخ، آن اعلامیه تأثیر خود را بخشید و زمینه گسترش اسلام فراهم شد و دشمن عقب‌نشینی کرد و به دنبال آن هیئت‌ها (وفود) به نمایندگی از قبایل عرب، یکی پس از دیگری رهسپار مدینه شدند و با پیامبر به مذاکره پرداختند و موجودیت اسلام را پذیرفتند.

آیات اول سوره توبه که در حقیقت قطعنامه براءت از دشمنان اسلام بود، نکات بسیار ارزنده و آموزنده‌ای در بر

دارد که تنها برای خواندن نیست، بلکه خط مشی و رویکرد مسلمانان را در هر عصر و برای هر نسل ترسیم می‌کند. تا در پهنه گیتی دشمنی وجود دارد مشمول این قطعنامه است و چه مکانی برای اعلام آن مناسب‌تر از موسم حج و کنگره جهانی اسلام و حرم امن الهی و قبله گاه توحید و مضاف انبیا؟!

مسلمانان هر عصر باید با تاسی به ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله که پایه گذاران این حرکت کفرستیز بودند و از بت پرستان و نمرودیان و طاغوتیان و مشرکان اعلام براءت کردند، این سیاست اصولی اسلام را به اجرا گذارند.

حضرت امام خمینی علیه السلام تجدیدگر حج ابراهیمی در روزگاری که درباره براءت گفت:

«حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و «الناس» که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی‌ها و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ بت‌الهیها و اربابان

مستفراق شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگترین حرکت سیاسی در ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...﴾ زنده بماند؛ چراکه سنت پیامبر و اعلان برائت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند...»^{۳۰}

اعلان برائت، بذر خشم و نفرت از بیگانگان را در دل‌های مسلمانان می‌پرورد تا از وابستگی به قدرت‌های استکباری نجات یافته، روی پای خود بایستند و سلطه کافران بر مسلمانان را نفی کنند. اذان برائت مکمل اذان حج است که یکی به وسیله ابراهیم و دیگری به وسیله محمد ﷺ انجام شد و این دو جاودانه خواهند ماند و باید بمانند.

حاصل آنکه: در تبلیغات برون مرزی، مسلمانان باید پیام خود را یکصدا و با آهنگ بلند، به گوش دشمنان اسلام برسانند که: امت محمد ﷺ تسلیم زورگویی‌های آنان نخواهد شد و نیز

منشور آزادی و حقوق بشر اسلامی و صلح شرافتمندانه را ابلاغ نمایند و این هنگامی است که بیگانگان از سیاست ستیزه‌گرانه رخ بتابند و به مصالح مشترک انسانی تسلیم گردند.

به طور خلاصه: اهداف و مقاصد تبلیغات برون مرزی حج را بدین‌گونه می‌توان خلاصه کرد:

۱ - تبلیغ اسلام از سرزمین وحی و رساندن آن به جهان تشنه معنویت، که سایر ادیان تحریف شده و مکاتب صادراتی از آن بی‌بهره‌اند؛ همانگونه که پیامبر گرامی اسلام دعوت خود را از این سرزمین به گوش ملت‌ها و دولت‌های عصر خویش رسانید.

برای تحقق این هدف، مسلمانان جهان می‌توانند رسانه مشترک برون مرزی برای ابلاغ پیام آسمانی اسلام متناسب با نیاز عصر و به زبان روز داشته باشند و نمایندگان کشورهای اسلامی در این پیام‌رسانی مشارکت کنند و مسائل مشترک و حیاتی جهان اسلام را به دور از گرایش‌های خاص عنوان نمایند و ای‌کاش که آن همه کتاب و جزوه و مقاله، که در موسم حج بر ضد قشر عظیمی از مسلمانان منتشر می‌شود و بذر کینه را در

۳ - افشا کردن توطئه‌های پنهان و آشکار دشمنان اسلام و اعلان برائت از قدرت‌های زورگو و سلطه‌گر، که چشم طمع به کشورهای اسلامی و جهان مستضعفان دوخته‌اند و قرن‌ها است سرمایه‌های معنوی و ذخایر مادی این کشورها را به تاراج می‌برند، نظیر آنچه در اعلان برائت پس از انقلاب اسلامی صورت گرفت، بلکه در ابعاد وسیع‌تر و با ابزارها و شیوه‌های ممکن دیگر.

دل‌ها می‌باشد، جهت‌گیری خود به سوی دشمن مشترک و کفر چند ملیتی، که برای نابودی اسلام و مسلمین بسیج شده‌اند، تغییر می‌دادند!

۲ - برخی از مسلمانان کشورهای دور، که بیشتر هدف تبلیغات دشمنان اسلامند، اطلاع درستی از معارف اسلامی ندارند. آگاهی دادن به مردم این کشورها و تبیین اسلام ناب می‌تواند از جمله تبلیغات برون مرزی حج باشد...

پی‌نوشت‌ها:

۱. نحل: ۳۶
۲. آل عمران: ۱۱۰
۳. آل عمران: ۱۰۴
۴. زمر: ۷
۵. طه: ۱۳۴
۶. آل عمران: ۹۶
۷. نهج البلاغه، خطبه اول. «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَ لِلْعَائِدِينَ حَرْمًا...»
۸. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷ و ۸
۹. ر.ک: کتاب ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، از نگارنده.
۱۰. علق: ۱ و ۲
۱۱. مدثر: ۱ و ۲
۱۲. علل الشرایع، ص ۴۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۷
۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۴
۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۴
۱۵. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۴۳؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴ ح ۳۲۹۷۲
۱۶. بشارة المصطفی، ص ۳۹؛ صواعق ابن حجر، ص ۵۴۴
۱۷. همان، ص ۵۴۷



۱۸. بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۱؛ صواعق، ص ۳۶۵، كنز العمال، ح ۳۲۹۰۹، ج ۱۱، ص ۶۰۲
۱۹. مائده: ۶۷، ر.ك: احتجاج طبرسی، ص ۵۷
۲۰. مائده: ۶۷

۲۱. شرح این واقعه را در کتاب احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۲۹۶ - ۲۹۷ و کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۶۵ بنگرید، ن.ك کتاب ابعاد سیاسی و اجتماعی حج اثر نگارنده.

۲۲. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۳۰

۲۳. کافی، ج ۴، ص ۴۴۶

۲۴. ر.ك: بحار الأنوار، ج ۲۷، صص ۱۷۷ تا ۱۸۳

۲۵. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۲۵؛ الكنى و الانقاب، ج ۳، ص ۲۴، محدث قمی.

۲۶. انبیاء: ۹۲

۲۷. علل الشرایع، ص ۴۰۶

۲۸. توبه: ۳

۲۹. توبه: آیه ۵

۳۰. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱





وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يُؤْتِيهِ اللَّهُ فَيُخَوِّضُ فِيهِ مَن يَشَاءُ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَرْجِعُوا إِلَى اللَّهِ ذِكْرًا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىكَ الْكِتَابَ وَالَّذِي أُولَىٰ بِكَ فِي الدِّينِ وَالْآيَاتِ الْمُبِينِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىكَ الْكِتَابَ وَالَّذِي أُولَىٰ بِكَ فِي الدِّينِ وَالْآيَاتِ الْمُبِينِ



كَمَا أَكَلْتَ لَبَنًا



رَسُولِ اللَّهِ



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ